

از دانشمند محترم

حاج سید عزالدین حسینی

## مقررات فردی و اجتماعی اسلام

و انحرافات آنی که با آنها تصادم میکنند

با تمام اختلافاتی که جمعیت بشری در آراء و عقائد باهم دارند در یک رشته مقررات اساسی مشترک هستند و مابقی نظام جمعیت های گوناگون جهان را ملاحظه کنیم می بینیم که همه آنها در چهار نظام و قانون اساسی متفق هستند که این ارکان چهارگانه بنیان اصلی هر اجتماعی را تشکیل میدهند.

۱- مقررات خانوادگی و تشکیل خانواده ۲- مقررات مالکیت فردی  
 ۳- مقررات اجتماعی و عمومی ۴- مقررات حکومت بر اجتماع  
 مقررات خانوادگی - بدیهی است هیئت اجتماع را خانوادها که خود از افراد تشکیل شده، تشکیل میدهند و نیز معلوم است که تشکیل خانواده بوجود مردوزن احتیاج دارد که باهم از دواج نمسایند و البته نسلی که در اثر ازدواج پدید آید محتاج به پرستاری است تا استعداد نهفته و نیروی مادی و معنوی طفل پرورش یابد و بسن رشد برسد و پرواضح است که این اجتماع کوچک که اساس اجتماع بزرگ است احتیاج به مراعات قوانین دارد تا سعادت افراد و اجتماع باسعادت هسته

اصلی آن تأمین گردد و بانظم صحیحی بنیان گذاری اجتماع تحقق پذیرد  
 مقررات مالکیت فردی - انسان پیوسته نیازمند بخوراک و لباس  
 ومسکن بوده و وسائل تهیه و تأمین احتیاجات خود را لازم دارد و احتیاج  
 بوسائل کار ایجاب میکند که مالک اسباب و ادوات مزبور گردد خود  
 وعائله اش از آنها استفاده کنند از اینجاقانون مالکیت فردی پیدامیشود  
 وبانمام کوششی که حکومت های اشتراکی درالغاه مالکیت فردی میکنند  
 حتی افراطی های این مسلك هم نتوانسته اند که مالکیت فردی را بکلی  
 الغاء نمایند وجای آنرا بمالکیت همگانی بدهند زیرا یک سلسله مالکیت  
 شخصی داریم که انسان از روی فطرت از آنها جدا شدنی نیست و  
 مالکیت انسان نسبت به خوراک وبوشاک و خانه و ادوات زندگی بحکم  
 احتیاج طبیعی حتمی است وگرنه محیط زندگی بزندان پر رنج  
 تبدیل میگردد.

مقررات عمومی و اجتماعی - مقررات خانوادگی و مالکیت  
 شخصی ایجاب میکند که شخصیت هر فردی و حریت و حقوق او را در  
 تأمین جان خود و خانواده و اموال وی محترم بشماریم لکن چون فرد  
 به تنهایی در رفع نیازمندیهای زندگی ناتوان است تشکیل اجتماع  
 اجتناب ناپذیر است و بعد از تشکیل اجتماع ضرورت قوانین اجتماعی  
 را درك میکنیم.

قوانین اجتماعی در تمام جهان یکسان نیست مقررات عمومی اجتماع  
 مسلمین بر پایه دین اسلام وقرآن قرار دارد و پایه اجتماعات دیگر  
 از نظر مقررات دسته جمعی بر روی سه رژیم استوار است

۱- رژیم سوسیالیستی ۲- رژیم کمونیستی ۳- رژیم سرمایه داری  
مقررات حکومت بر اجتماع - وقتی جامعه تشکیل شد احتیاج به حکومت  
دارد تا بوسیله اجرای قانون از متلاشی شدن جامعه جلوگیری و امنیت  
عمومی و سیاست داخلی و خارجی را تأمین نماید.

مقررات تشکیل حکومت نیز پیش هر ملتی بشکل خاصی است  
در برخی از کشورها حکومت جمهوری بوده و در برخی دیگر سلطنتی  
و در بعضی دیگر بشکلهای دیگر است.

اصول سه گانه گذشته مانند حلقه های زنجیر بهم پیوسته و اساس  
حکومت و مقررات آنرا بوجود می آورند تصادم با مقررات چهار گانه  
یا انهدام یکی از آنها، ضربتی است که بر اساس اجتماع وارد میشود  
و بهمین جهت دین مقدس اسلام طرفداری و حمایت از آنها را برای تأمین  
عدالت اجتماعی لازم دانسته است.

انحرافات که با اصول چهار گانه تصادم میکنند:

دین مقدس اسلام پس از اینکه در تمام مواد انحرافات فحش کامل  
نموده آنها را در جرائم ذیل منحصر دانسته است: جرائم موجب حدود  
و جرائم موجب قصاص و دیه که بتفصیل عبارتند از: زنا - قذف - خوردن  
مسکر - دزدی - اخلاک کفری و قیام بر علیه ملت و دولت اسلامی بدون  
مجاز قانونی - ظلم - تعدی - خروج از دین - قتل و جرح عمدی -  
اما زنا در بعض موارد تجاوز به حقوق خانوادگی است، و اگر مرتکب  
آن مجازات نشود دیگران نیز جری شده و به همسر اختصاصی مردم  
تجاوز میکنند، پس اجازه دادن بشیوع زنا یا سهل انگاری در مجازات

هر تکب آن گاهی مزاحم حقوق خانوادگی بوده واصل اولی از اصول اساسی اجتماع را منهدم خواهد ساخت

دزدی گاهی تجاوز به مالکیت شخصی است و اگر هر تکب آن تعقیب و مجازات نشود هر فرد متجاوز می شود و هوس میکند بمال دیگری دست درازی کند پس آزادی دزدی لازم دارد که نظم و مقررات مالکیت شخصی که یکی از چهار رکن اجتماع است مورد انهدام قرار گیرد و مجازات آنرا شریعت مقدسه تحت شرایط خاصی بریدن دست دزد قرار داده است ارتداد انحراف از مقررات اجتماعی عمومی است زیرا هر فرد مسلمان که از مرز عقاید اسلامی خارج شده بدین مزبور خیانت کرده و بدیهی است که اگر مبادی و مقررات اجتماعی هر ملت از ناحیه خود آنها مورد تردید و طعن واقع شود اساس نظم اجتماعی آنها بدست خودشان خراب خواهد شد.

اخلا لگیری و قیام بر علیه ملت و دولت تجاوز بحقوق اجتماع است، جایز بودن اخلا لگیری بوسیله قیام بر علیه زمامداران یکی از عوامل مؤثر اختلاف و هرج و مرج است و هر جمعیتی را بر اکنده ساخته و دسته ها و احزاب بی بند و بار بوجود می آورد و در نتیجه قانون عمومی متزلزل گشته و امنیت و نظم عمومی مختل میشود.

قتل و جرح از یک طرف تجاوز بحیات افراد است و از طرف دیگر تجاوز به نظم همگانی و حقوق حکومت عمومی است و سهل انگاری در مجازات کسیکه بر ضد حیات اشخاص و نظم اجتماع قیام کرده موجب پیروزی اقویاد نابود کردن ناتوان بوده و باعث اختلال حیات عمومی جمعیتهاست

دین مقدس اسلام برای جلوگیری از این مفسد مجازات قتل عمدی را اعدام قرار داده است.

قذافی نسبت عمل خلاف عفت بکسی دادن است و این تجاوز به حیثیت و آبروی اشخاص است و گاهی باعث اختلال نظم خانوادگی و نفی نسب میشود در صورتیکه شخصی را بغیر پدرش نسبت بدهند انکار را بطه نسبی او ببا بستگان اوست و باین نسبت اعتماد بانتظام خانوادگی ضعیف شده و در نتیجه اعتماد بصلا حیت و پاکیزگی اجتماع ضعف پیدا میکند زیرا نظام خانوادگی در نظام اجتماع اثر مستقیم دارد.

خوردن نوشابه‌های الکلی شعور را ازین برده و بافقدان شعور ارتکاب بزه‌های دیگر از قبیل دزدی - نسبت ناروا بمردم دادن - و انحرافات جنسی همه آسان می‌شود علاوه بر اینکه خریدن مسکرات تضييع مال است و بسلامتی بدن آسیب می‌زند و نسل انسان را ناتوان میکند دشمن عقل و خرد آدمی است و بهمین علت اسلام از آن بشدت جلوگیری کرده است.

قیام با اسلحه اگر بمقصد دزدی باشد تجاوز بمالکیت شخصی است و اگر توأم با کشتن مردم باشد تعدی بحیات افراد است و اگر منحصر به تهدید و ترساندن مردم بمنظور رسیدن بمقاصد شخصی و مطامع باشد امنیت عمومی را برهم می‌زند.

اینها جرائم و انحرافات است که بارکان اجتماع تصادم مستقیم دارد و شریعت اسلام بانشریح قوانین جزائی از آنها جلوگیری نموده و در اجرای قانون مجازات برای شخصیت مجرم ارزشی قائل نشده است تا بوسیله مجازات

کردن یکفرد مجرم نفوس و اموال و اعراض اجتماع را نگهداری کند می بینیم شریعت اسلام در جرمهایی که بابیان اجتماع تصادم پیدا می کند برای مجرم شخصیتی قائل نشده است و شایسته دین آسمانی هم این است که قضایا را از دو ناحیه رعایت کند: ۱- از ناحیه مقررات ۲- از ناحیه واقع بینی بهمین لحاظ در قانون اسلام تفاوت فاحش در کیفر جرائم مزبور منظور گردیده که ثبوت آن روی آثار بارزه جرمها و بزه ها قاطعی است خلاصه گفتارهای سابق اینست که جرمهایی که با اساس اجتماع تصادم دارد بر دو قسم است قسم اول شامل جرمها می است مانند زنا - قذف - شرب خمر - سرقت - دزدی مسلحانه - خروج از دین.

کیفرهایی که برای جرمهای مزبور مقرر شده تغییر بردار نیست و مرتکب هر يك از جرمهای مزبور گرفتار سر پنجه عدالت خواهد شد بدون اینکه شخصیت مجرم کوچکترین تأثیری داشته باشد یا رأی ستمدیدگان را در آن دخالتی باشد.

قسم دوم قصاص کرده و قتل عمدی است. شریعت اسلام مقرر کرده است که در درجه اول قاتل باید تحت شرایطی اعدام شود و در درجه دوم اگر ولی مقتول بخواهد میتواند اعدام صرف نظر کند و خونبهای مقتول را از قاتل دریافت کند در این مورد قطع نظر از جنبه مجازاتی شریعت اسلام خواسته است زبان وارد بر مجنی علیه را با فورمالی جبران کند اما حدود و مجازاتهایی که صرفاً جنبه کیفر دارد قابل تغییر و تبدیل بمال نیست و در عرف فقها آنها را حق الله گویند. در مقابل حق الناس که قابل گذشت و تغییر است

پایان